زندگی در پرتو عدل

موسوی، سید مجتبی

سیر در تواریخ و کاوش و بررسی پیرامون پیدایش و بروز نهضتها،ما را با این نکته جالب‏ و شایان توجه هدایت میکند،که در ادوار مختلف گیتی میان کلیه ملتها همواره کلمهء مقدس«عدل» محور جنبشها و سرچشمهء انقلابات قرار گرفته است؛گروهی که از فشار اجحافات و تجاوزها بستوه آمده،دورنمای وصال عدل چنان در روحیهء آنان هیجانی پدید آورده؛و احساسات‏ آنها را برانگیخته است،که مردانه علیه دستگاههای اهریمنی نبرد عمومی را آغاز؛و بخاطر بچنگ آوردن این گوهر را زنده و گرانبها و دگرگون ساختن دوران تاریک و وحشیانه، تلاشهای خستگی‏ناپذیر از خود نشان داده و از هیچگونه فداکاری حتی بذل جانهم دریغ ننموده‏اند

اما متاسفانه بسیاری از این جنب‏وجوشها و مبارزات پی‏گیر به نتیجه ثمربخش و پیروزی‏ قطعی نرسیده است،و خلاصه نتوانسته‏اند شاهد مقصود را در آغوش کشند؛و بآمال حیاتی‏ خویش نائل آیند.

رمز عدم پیروزی و موفقیت آنان،باتوجه باین نکته روشن و آشکار میگردد؛وقتی مزاج‏ جامعه از مدار طبیعی منحرف و با انحطاط و پلیدی خو گرفت؛چنین اجتماعی عدالت‏پذیر نبوده؛و هرگر بآئین داد متصف نخواهد گردید،بسط عدالت در زمینهء حصول شرائطی میسر و امکان‏پذیر است و تا آن شرایط تحقق نپذیرد چهرهء واقعی عدل در افق زندگی تجمع نخواهد کرد نخست جامعه بقانونی نیازمند است که براساس«عدالت»وضع گردیده باشد،حقوق‏ کلیه طبقات و افراد در آن بطور کامل منظور و با مصالح عمومی تطبیق نماید؛سپس تربیت اساسی‏ و اخلاق پسندیده در گسترش آن اثر عمیقی می‏بخشد.

\*\*\* عدالت قانونی است طبیعی که در سراسر عالم تکوین مشاهده میشود؛خط سیر جهان بر شارب الخمر در اثر مسمومیت الکلی و ناراحتی‏های کبدی بسادگی باین امراض کشنده دچار میشوند و یا اینکه باز در اثر مسمومیت مزمن الکلی بامراض غیرقابل علاج قلبی،مغزی و در نتیجه دیوانگی و حتی گاهی کوری و کری گرفتار میشوند که اغلب آنها ارث در ارث باقی میماند

آزمایش دیگر نشان میدهد که اگر ما به 100 موش نر1مقدار کمی تزریق کنیم‏ 84 عدد آنها در اثر مسمومیت در مدت کوتاهی میمیرند.در این صورت بر چه کسی پوشیده است‏ که الکل برای بدن انسانی سم مهلکی است؟آیا باز هم میشود با هیاهو و جنجال و تبلیغات سوء از این‏ نوع اثرات و مزایای تمدن غرب پشتیبانی و دفاع کرد؟یکی از نمونه‏های پیشرفت تمدن غرب‏ چنانکه بعرض رسید همانا صرف روزافزون مواد الکلی بود و چنانکه مختصرا خوانندگان‏ گرامی دیدند آن نتیجه اخلاقی الکل بود که به آدمکشی،وحشیگری و انحرافات اخلاقی‏ کشیده میشد و اینهم اشاره‏ای از تأثیرات آن بروی بدن انسان است که بمرگ شاربین و مریضی دائمی معتادین منتهی میگردد.

آیا باز هم میشود نام چنین جوامعی را که در آنها روز بروز صرف مشروبات الکلی فزونی‏ مییابد و مرده‏شان بدان افتخار هم میکنند جوامعی متمدن!گذاشت؟

(1)مقصود از اینکه موش نر نوشتم چون نتیجهء آزمایش مزبور بر روی موشهای ماده طوری‏ دیگر بوده یعنی اگر ما به 100 موش ماده مقدار کمی الکل تزریق کنیم فقط 30 عدد آنها میمیرند و بهمین نسبت است تأثیر سوء دخانیات بر روی جنس خشن و جنس لطیف و این تأثیر درست‏ بهمین نسبت بر روی جنس خشن و جنس لطیف اولاد آدم می‏باشد و گویا اصلا از این لحاظ جنس‏ خشن و لطیف جای خودشانرا عوض کرده‏اند.

بقیه از صفحه 16 محمد بن عبد الملک از وزرائی بود که در دستگاه خلفاء بنی عباس موقعیت خاصی داشت.

این وزیر سنگدل و بی‏باک برای مجازات زندانیان،تنوری از آهن که دیوارهای داخلی آن‏ میخهای برجسته‏ای داشت،مهیا ساخته؛زندانیان تیره‏بخت را در همین جایگاه پرزجر و وحشت‏زا محبوس می‏ساخت؛بعلاوه به تنور نیز حرارت میدادند،تا بدین ترتیب از فشار شکنجهء طاقت‏فرسا بفجیع‏ترین طرزی جان بسپارند.

وقتی متوکل بخلافت رسید وی را از وزارت معزول و سپس در همان زندان خودساخته‏ بازداشت گردید،اوقاتی که آخرین لحظات زندگی را پشت سر میگذاشت؛کاغذ و دواتی در خواست نمود؛و بر آن دو بیت شعر بعنوان نامهء سرگشاده بخلیفه نوشت:

هی السبیل فمن یوم الی یوم‏ کانه ما تریک العین فی نوم لا تجز عن رویدا انها دول‏ دنیا تنقل من قوم الی قوم:

دنیا گذرگاهی است که باید روزانه آنرا سپری سازی،مانند رؤیائیکه در خواب بدیدگانت‏ میآید اظهار ناراحتی مکن آرام باش؛این دنیا سرمایه‏است که هرروز بدست گروهی منتقل‏ میگردد؛وقتی متوکل از متن نامه مستحضر شد دستور آزادی او را صادر کرد ولی دیر شده بود زیرا او بدردناکترین وضعی جان داده بود!

آری مردمی که صفحه گیتی را میدان تنازع بقاء پنداشته،و میگویند:

برو قوی شود اگر راحت جهان طلبی‏ که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

پیوسته برای استوار ساختن پایه‏های قدرت و حفظ شوکت خویش،ضعفا را در فشار محرومیت خرد،و از ارتکاب هیچگونه اعمال جنایت‏آمیز و ضدانسانی روگردان نبوده‏اند، اما دیری نگذشته که شراره‏های قهر و غضب از درون سینه‏ها افروخته؛و با یک جهش و انقلاب‏ عظیم صحنه‏های خونینی بدنبال آورده است.

ستمگری مخصوص بطبقه یا افراد خاصی نیست،هرکس در هر مقام و شرائطی باشد؛و بخواهد بی‏قیدوشرط از مزایای زندگی بهره‏برداری،و از حصار قوانین گام فراتر بگذارد ستمکار است.

متأسفانه امروز ستمگری در جامعه قوس صعودی را می‏پیماید؛شعله‏های آتش بیداد در خرمن هستی اجتماع شعه‏ور،و اساس و بنیان تمدن بشری را بسقوط و فنا تهدید میکند؛عمال‏ ستم تا آنجا که قدرت و نیرو در اختیار دارند؛حقوق جوامع بشری را پایمال؛منبع ثروت‏ و منافع مردم بی‏پناه را بیغما میبرند؛و تنها فرشته عدالت در قالب مجسمه‏ای بیروح جلوه‏گر است!

نبرد دین با بیدادگری

قرآن مجید سرانجام شوم ستمگران را اعلام میدارد

«و تلک القری اهلکنا هم‏ لما ظلموا و جعلنا لمهلکهم موعدا1

«جمعیتهای بشری را هنگامیکه ستمکار شدند بهلاکت افکندیم و برای نابودی هریک‏ از آنها وقت معینی قرار داده‏ایم»رهبران دین به پایداری اجتماع بسیار علاقه‏مند بوده توسعه‏ عدل‏وداد هدف اصلی آنان قرار گرفته است؛خط سیر جامعه را با جنبشهای ضد ظلم تغییر داده؛ سنگرهای بیداد را تسخیر؛و قدرتهای وحشیانه را بزانو درآورده‏اند،ستم را گناه نابخشودنی‏ دانسته،و بقدری مردم را از نزدیک شدن بمرز آن نهی کرده‏اند؛که حتی شرک را نوعی از ظلم‏ شمرده‏اند؛اصولا روش و مکتب عدالت‏پرور پیشینیان دین خود بزرگترین نهضت علیه بیدادگری‏ محسوب میگردد،

«لقد ارسلنا با لبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان‏ لیقوم الناس با لقسط1

ما پیغمبران را با ادله روشن فرستادیم و با آنها میزان تشخیص‏ عدل از ستم نازل کردیم تا مردم بعدالت قیام کنند».

سفراء الهی پایه‏گذار عدل؛و پدیدآرنده تمامیت و تکامل انسانی بوده‏اند؛در دوران‏ زمامداری علی(ع)روزی عقیل به پیشگاه برادر زمامدار خود،شرفیاب میشود؛و با شرح‏ گرفتاری و تهیدستی خویش،اصرار داشته است،تقریبا یک من گندم بیش از حق مقرر خود؛از بیت المال استفاده کند؛آنحضرت بجای پاسخ مثبت،پاره آهن گداخته‏ای برای عبرت وی‏ نزدیک بدنش میبرد،که فریادش بلند میگردد،سپس حضرت برادر را مخاطب ساخته چنین میفرماید:

«ای عقیل!مادر بعزای تو گریه کند،تو از این پاره آهنی که انسانی آنرا ببازیچه در آتش گرم کرده چنین می‏نالی ولی من آتشی که از قهر و غضب پروردگار شعله میزند چگونه تحمل‏ نمایم؟آیا سزاوار است تو از تأثر جسم و فریاد و خروش برآوری،ولی من بر عذاب وجدان و آلایش روح صبر کنم؟»بدنبال آن بیانات اظهار میدارد«بخدا اگر حکومت دنیا را با همه‏ ثروت و مال که در آن است؛بمن واگذار کنند،تا در مقابل:پوست جوی از دهان موری بظلم و ستم بیرون کشم،هرگز نخواهم پذیرفت؛دنیای زیبا و دوست داشتنی شما در نظر من از آن‏ پست‏تر است،که موری را بخاطر آن آزرده و متأثر سازم»حسین بن علی علیهما السلام با یک‏ نهضت و جنبش عظیم ضد ظلم؛آئین عدل و مرام انسانیت را بر صفحه روزگار نوشت،که هنوز بر پیشانی تاریخ بشریت میدرخشد.